



«هر چه که ما بتوانیم در جامعه مسأله مشکل جنسی جوانان را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه ماست، به نفع دنیا و آخرت کشور ماست» رهبر انقلاب- مرداد ۱۳۹۵

■ مقدمه

کاپیتالیسم (Capitalism) یا سرمایه‌داری، نظامی اقتصادی است که بر اساس خصوصی‌سازی صنایع تولیدی، بازار آزاد، حداقل دخالت دولت‌ها در تولید و فروش، رقابت بسیار بالا و در نتیجه سوددهی بالا بنا شده است. در نتیجه هر فرد سرمایه‌گذار باید از تمام امکانات برای کسب حداکثر سود استفاده کند؛ در غیر این‌ صورت محکوم به شکست است.

به عبارت دیگر از دیدگاه نظام کاپیتالیسم، جامعه جمعی از مجموعه افراد است که هر فردی به دنبال منافع شخصی خود بوده و مشغول رقابت آزادانه جهت حداکثر کردن ثروت و لذت خود است. تحت لوای سرمایه‌داری، پولدارترین افراد محق‌ترین برای دریافت بیشترین خدمات و نیز صاحب‌نفوذترین اشخاص در جهت‌دهی به دولت‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان هستند. جهانی شدن این نظام منجر به نهادینه شدن و بازتولید ارزش‌های فرهنگی- اجتماعی این نظام در عرصه جهانی شده که یکی از نتایج آن رسوخ و هتجار شدن مؤلفه‌های زندگی روزمره و سبک زندگی بر اساس اصول جامعه‌ مطلوب نظام سرمایه‌داری است.

به عبارت دیگر این نظام صرفا بر یک مکانیسم تولید و شیوه مدیریت اقتصاد جامعه تعریف و خلاصه نمی‌شود، بلکه به مثابه یک نظام فراگیر شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، سیاست و فرهنگ خاص و مطلوب خود است که در نتیجه حاکمیت آن سبک زندگی خاصی را تبلیغ و توصیه می‌کند.

بنابراین سرمایه‌داری مناسبات خاص خود را می‌طلبد و موضوع «سکسوالیته» (لیبیدو) و تمایلات جنسی)، خانواده، رابطه جنسی، تنوع‌طلبی، همجنس‌گرایی و حتی ازدواج با حیوانات از آنجا که تبلور کامل فردگرایی است، از نتایج نظام سرمایه‌داری است.

■ **سرمایه‌داری، سکسوالیته و خانواده**

با شکل‌گیری سرمایه‌داری، جهان غرب به دنبال چرخش چرخ‌های اقتصادی خود و برای دستیابی به حداکثر سود، همه‌گونه ابزار و وسایل را اختیار کرده است. در این راه با استفاده از ویژگی‌های خاص و ذاتی طبیعت درصدا ارتقای فرهنگ خوشی و لذت‌جویی برآمد تا با تمسک به آن هر روز بازار بیشتری یافته و بیشتر منتفع شود.

«ایلای زارتسکی» (Eli Zaretsky) استاد معاصر رشته تاریخ در مدرسه نوین تحقیقات اجتماعی آمریکا در این‌باره می‌گوید: «سرمایه‌داری، خانواده را دگرگون کرد و سپهر زندگی شخصی را همچون بهشتی در دل جهنم دنیای بیرحم، پدید آورد».

■ **همه چیز فدای لذت**

وقتی در مکتب سرمایه‌داری، کمال و طبقه انسان به میزان برخورداری او از ثروت بستگی دارد، هر تعریف یا قانونی در این نظام (جنگ یا صلح) برای رسیدن به همان هدف سرمایه‌داری است. روابط جنسی- به هر شکلی که باشد؛ چه صحیح و چه غیرصحیح- نقشی مهم و اساسی در چگونگی ساختار و روابط فرد و اجتماع دارد و به جرات می‌توان ادعان کرد از محورهای اصلی چگونگی شاکله

اقتصاد و درآمد است، پس در مکتبی که همه‌چیز اقتصاد، سرمایه است، هیچ نوع رابطه جنسی نباید محدود شود، چرا که هر کدام زمینه بازار کار و درآمد کلان آنها را تضمین می‌کند.

■ **روابط جنسی در قرن بیست‌ویکم**

قبیل از پرداختن به روابط جنسی، ۲ اصطلاح را تعریف می‌کنیم: «تعرض و آزار جنسی» (Sexual Harassment) و «حمله جنسی» (Sexual Assault) بعضا به جای هم به کار برده می‌شود اما این دو عبارت، معانی مختلفی دارند. به طور کلی، آزار جنسی هنگامی رخ می‌دهد که فردی بدون رضایت فرد دیگر، نسبت به وی رفتار جنسی بروز دهد (شامل کلمات ناشایست و جنسی، زل زدن، لمس کردن و درخواست رابطه جنسی). در صورتی که رفتار جنسی ذکر شده، به همراه هر نوع برخورد یا تماس فیزیکی باشد، حمله جنسی رخ داده است. گفتنی است در صورتی که فردی با استفاده از موقعیت شغلی یا اجتماعی خود (برای مثال مدیر به کارمند) پیشنهاد رابطه جنسی بدهد، این‌مورد نیز آزار جنسی تعریف می‌شود. ممکن است برخی رفتارها و درخواست‌ها، غیر مستقیم باشد. مثلا اگر در محیط کار، فردی در ازای تشویق، تنبیه، تنزیل یا حتی ترفیع به پرسنل خود پیشنهاد رابطه جنسی بدهد، باز هم به عنوان آزار جنسی طبقه‌بندی می‌شود. با این تعاریف نگاهی می‌اندازیم به آمار جرائم و انحرافات جنسی؛ به گزارش سایت هفته‌نامه «تایم» (هفته‌نامه آمریکایی/ پرانتشارترین هفته‌نامه جهان) در ماه دسامبر ۲۰۱۷ به قلم آنتونیتا ریکو (نظامی و خبرنگار رمزی ارتش ایالات متحده در جنگ دوم عراق)، زنان در نیروهای نظامی آمریکا بشدت شاهد آزار جنسی هستند. در این گزارش اشاره شده که «ثرومای جنسی» مهم‌ترین دلایل مشکلات روحی-روانی در نظامیان مونث ارتش آمریکاست. در مقاله دیگری در نیویورک‌تایمز و به نقل از پنتاگون (وزارت دفاع ایالات متحده) حدود ۲۶ هزار زن و مرد در ارتش آمریکا در سال ۲۰۱۲ مورد حمله جنسی از طرف هم‌زمان یا همکاران خود قرار گرفته‌اند که از این میزان، صرفا حدود ۵ هزار پرونده قضایی تشکیل شده است. در ادامه گزارش اشاره شده که تعداد قابل‌توجهی از حملات جنسی، از طرف یک مرد علیه مرد دیگر بوده است. آوریل ۲۰۱۱ نیز سایت نیوزویک (سایت خبری معروف آمریکایی) گزارش داد در نیروی هوایی آمریکا، از هر ۵ زن، یک زن مورد حمله جنسی قرار گرفته است. در گزارشی در سایت رسمی وزارت دفاع آمریکا نیز می‌خوانیم: «سالانه حدود ۱۰ هزار و ۸۰۰ مرد و ۸ هزار زن مورد حمله جنسی قرار می‌گیرند». جرائم جنسی صرفا محدود به نیروهای نظامی و ایالات متحده نیست. به گزارش ایندپندنت (سایت خبری معتبر انگلیسی) بیش از ۴۰ درصد موارد تجاوز جنسی در اروپا، در انگلستان و ولز رخ می‌دهد و در این دو منطقه در سال ۲۰۱۵، ۶۵ هزار و ۵۰۰ مورد جرم جنسی گزارش شده که از این میزان ۳۸ هزار و ۵۰۰ مورد تجاوز بوده است. ۹۹ درصد افرادی که به‌خاطر جرائم جنسی محکوم و زندانی شدند، مرد بوده‌اند. در همان مقاله می‌خوانیم در همان سال و در کشور آلمان، ۳۴ هزار و ۴۰۰ مورد جرم جنسی گزارش شده که ۷ هزار مورد تجاوز بوده است. طبق آمار مرکز آمار انگلستان، سال ۲۰۱۵ حدودا یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر

مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند که بیشتر آنها زن بوده‌اند. به گزارش اداره پیشگیری از جرائم سوئد (The Swedish National Crime Prevention Council) سال ۲۰۱۶ میلادی تعداد ۲۰ هزار و ۳۰۰ مورد جرم جنسی گزارش شده که ۶ هزار و ۷۲۰ مورد آن تجاوز بوده است. همچنین به استناد این مرکز، گزارش وقوع جرائم جنسی نسبت به سال ۲۰۰۵، در مردان حدود ۲ برابر و در زنان حدود ۴ برابر افزایش داشته است. به عقیده «فروید» (Freud، روانشناس

قرن بیستم/ از سرشناس‌ترین روانشناسان تاریخ)، «تمدن نیرویی است که غرایز ابتدایی را محدود کرده و آزادی افراد را دستخوش نیروی خود قرار می‌دهد. تمدن در حیات بشری ۲ نقش را عهده‌دار است؛ از سویی تمایلات و غرایز بشری را محدود می‌کند و از سوی دیگر از این محدودیت و جلوگیری به نفع بشر و اجتماع سود می‌جوید. پس لازم است این تمدن به خاطر سودش برای بشریت حفظ شود. اساس تمدن و موقعیت آن بر مبنای آن است که نظامی اجتماعی برقرار شود و این نظم مستلزم آن است که غرایز و امیال افراد را تحت نظارت قرار داده و آنها را بسی محدود کند. همین محدودیت که لازمه بقا و تکوین تمدن است موجب آن می‌شود که خشم و کینه محدودشدگان را نسبت به خود برانگیزد».

«برنارد لوکور» (روانشناس معاصر فرانسوی) نیز چنین می‌گوید: گفتار کاپتالیسم در ساختار خود سیستمی است که به طور عمده بر اساس توزیع دال (Signifier) بنا شده است؛ خواه به شکل اطلاعات و خواه به شکل تصاویر که بدون وقفه به طرز سرسام‌آوری انسان‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهد. این گفتار همچنین مدام در حال ساختن ماشین‌های لذت‌زای پیچیده است که انواع لذت‌ها را به ارزانی در هر کوی و برزن در اختیار هرکسی قرار می‌دهد اما خشنودی این دنیای سرسام‌آور هر روز بیشتر رخت می‌بندد و فلاکت و ادبار دنیای مصرف بر همین اساس است. نوعی لذت‌خواهی و لذت‌بری دیوانه‌وار و بدون حد و مرز که هر

روز تمناي جدیدتری دارد و هر روز کالای نوتری را می‌طلبد و از انبوه کالاهای متعدد جز خاکستری بر جا نمی‌گذارد. در این گیر و دار، خشنودی و رضایت آن چیزی است که اول از همه به خاکستر تبدیل شده است. به عقیده «اریک فروم» (Erich Fromm، روانشناس و جامعه‌شناس معروف آلمانی-آمریکایی) انسان امروزی که

هیپنوتیزم شده جوامع سرمایه‌داری است، با تاثیر از گفتار سرمایه‌داری بیمار شده و همه جهت‌های زندگی خود را بر اساس انباشت بیش از حد برای به‌دست آوردن لذت نامحدود پیچه است که مفاهیم معنوی چون دین، عشق و… را نیز با این تفکر آلوده کرده است. چون بر اساس تفکر لذت‌گرایی نامحدود در سرمایه‌داری اساس زندگی، رقابت و جنگیدن برای بیشتر داشتن است و این بیشتر داشتن تبعاتی چون خودخواهی و حرص و به دنبال آنها، بهره‌کشی و جنگ را به دنبال خواهد داشت و خوشبختی بر اساس بیشتر داشتن تعریف می‌شود نه بیشتر بودن. وی گل را مثال می‌زند که کسی که به «داشتن» می‌اندیشد گل مورد علاقه‌اش را می‌چیند تا نگه‌دارد و از آن استفاده کند اما کسی که به «بودن» می‌اندیشد به گل آب می‌دهد و از رشد و حضور گل لذت می‌برد. نمونه اول شامل عشق‌های بیمارگونه جوامع سرمایه‌داری است و تعریف دوم، تعریفی از عشق اصیل.

بعد از نقل نظرات برخی روانشناسان و دانشمندانی چون فروید، برنارد لوکور و اریک فروم که خود نیز برخاسته از غرب هستند (به‌رغم برخی نظریات غیر قابلیل دفاع آنان) و با زبان علم، منتقد وضع موجود بوده‌اند، مجددا اشاره می‌کنیم به روابط جنسی در قرن بیست‌ویکم:

به گزارش گاردین (The Guardian/

از معروف‌ترین روزنامه‌های انگلیس) سال ۲۰۱۳ و به نقل از منابع رسمی، ۱/۱ درصد خود را همجنسگرا، ۰/۴ درصد خود را

نگاهی به وضعیت جرائم و ناهنجاری‌های جنسی در غرب

همه چیز فدای لذت

■ دکتر سیدحسن سعادت* ■

دوجنسگرا و ۹۳/۵ درصد خود را دگرجنسگرا معرفی کردند. درصد اندکی نیز نسبت به میل جنسی خود مطمئن نبودند، طبق این آمار، در انگلستان حدود ۵۴۵ هزار نفر همجنسگرا و ۲۲۰ هزار نفر دوجنسگرا وجود دارد. به گزارش شبکه خبری سی‌ان‌اس (CNS News/ رسانه خبری معروف آمریکا) دسامبر ۲۰۱۱، مجلس سنای آمریکا قانونی تصویب کرد که طی آن رابطه جنسی همجنسگرایانه و همچنین رابطه جنسی با حیوانات از دیدگاه نظامی جرم نبوده و سرباز خاطی تحت پیگیری قرار نمی‌گیرد. ازدواج با محارم از معضلات نوظهوری است که نظر رسانه‌ها را در سال‌های اخیر جلب کرده است. به گزارش روزنامه بسیار معروف انگلیسی [تلگراف] سال ۲۰۱۶ مادر و دختری به دلیل تلاش برای ازدواج با یکدیگر در آمریکا، دستگیر شدند، زیرا در ایالت اوکلاهما، رابطه جنسی با محارم جرم است. تنها ایالتی که زناي با محارم در آن قانونی است، آلاباماست. آوریل ۲۰۱۸، تلگراف گزارش کرد برخی فعالان اجتماعی در آلمان، خواهان آزادی ازدواج قانونی با محارم هستند و آن را یک حق اولیه انسانی می‌دانند. عجیب نیست اگر در سال‌های آتی، شاهد تغییراتی در قوانین مربوط به ازدواج با محارم باشیم.

تغییر بنیاد خانواده جنبه‌های دیگری نیز دارد. در مقاله‌ای در واشنگتن پست می‌خوانیم سه‌چهارم آمریکایی‌ها، حیوان خانگی دارند و متولدان بین ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، ۵۰ درصد کمتر از افراد همسن خود در بازه زمانی ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰ ازدواج می‌کنند که ممکن است باعث رو آوردن افراد به نگهداری از حیوان خانگی (به جای ازدواج) باشد. «جین تونگ» (Jean Twenge، روانشناس و اسناد دانشگاه سن‌دیگو) در این‌باره می‌گوید: «حیوانات جایگزین کودکان شده‌اند». طبق گزارشات، صنعت حیوانات خانگی در آمریکا بیش از ۶۰ میلیارد دلار ارزش دارد. فقط در سال ۲۰۱۶، آمریکایی‌ها ۱۱ میلیارد دلار خرج وسایلی نظیر لباس حیوانات کرده‌اند. اما کاهش نرخ ازدواج و تشکیل خانواده تنها پیامد نظام سرمایه‌داری نیست؛ به گزارش ایندپندنت در

اکتبر ۲۰۱۷، سال ۲۰۰۶ زنی در ایرلند با سگ خود به نام هنری ازدواج کرده و از زندگی خود با سگش راضی است. البته هنوز ازدواج با حیوانات در انگلستان و ایرلند رسمی و قانونی نیست. به گزارش ان‌بی‌سی، دسامبر ۲۰۰۶ نیز زنی انگلیسی در بندر ایلات (در جنوب فلسطین اشغالی) با یک دلفین به نام سیندی ازدواج کرد.

صرف‌نظر از افرادی که به طور خودخوانده با حیوانات ازدواج می‌کنند، آمار رابطه جنسی با حیوانات در غرب نیز قابل توجه است. به گزارش گاردین در ژوئن ۲۰۱۷، شبکه‌ها و سایت‌های بسیاری در زمینه رابطه جنسی با حیوان در اینترنت وجود دارد. اعضای این گروه‌ها خواستار آزادی رابطه جنسی با حیوان هستند. در ادامه این گزارش می‌خوانیم در مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۹، مردی متاهل و دارای ۲ فرزند، با اسب خود رابطه جنسی داشت. وی اظهار کرد: «من سعی می‌کردم عادی باشم اما علاقه‌ای به رابطه جنسی با همسرم نداشتم. حتی موقع رابطه جنسی با همسرم، چشمم را می‌بستم و فرض می‌کردم



با اسبم رابطه جنسی دارم».

رابطه جنسی نامتعارف صرفا به موجودات زنده محدود نیست. سال‌هاست در غرب، لوازم و عروسک‌های جنسی مختلف شایع هستند، به گزارش تلگراف در سال ۲۰۱۵ و به نقل از «یان پیرسن» (Jan Pearson، مشاور اقتصادی و آینده‌شناس) تا سال ۲۰۵۰ صنعت اسباب‌بازی‌های جنسی در انگلستان، یک میلیارد پوند ارزش خواهد داشت. همچنین در این مقاله آمده که امروز حدودا یک‌چهارم جست‌وجوها در اینترنت، به نوعی مربوط به پورنوگرافی است. برخی عقیده دارند از نظر اخلاقی، رابطه جنسی مجازی با یک اسباب‌بازی یا برنامه کامپیوتری تفاوتی با نگاه کردن پورن ندارد. اخیرا با پیشرفت تکنولوژی واقعیت مجازی (Virtual Reality)، محبت رابطه جنسی به صورت مجازی و همچنین با ربات‌ها نیز مطرح شده است. در روزنامه‌هایی نظیر گاردین، مقالات متعددی در سال‌های اخیر در این زمینه مشاهده می‌کنیم. این ربات‌ها، دست‌ساز بوده، قیمت بالایی دارند و مجهز به هوش مصنوعی هستند. جولای ۲۰۱۷، نیویورک‌پست در مقاله‌ای به معرفی رباتی جنسی به نام روکسی (Roxxy) پرداخت که خشم بسیاری را برانگیخت. تفاوت این ربات با دیگر محصولات آن است که می‌توان به آن تجاوز کرد. با پرداخت ۹/۹۹ دلار هنگام خرید، برنامه‌ای برای این ربات تعریف می‌شود که هنگام برقراری رابطه جنسی، مقاومت می‌کند و کاربر باید به ربات «تجاوز» کند.

در اینجا مواردی از کشور خودمان نیز نقل می‌کنم. فرد آکادمیکی را می‌شناختم که مشغول تحصیلات تکمیلی روانشناسی بود و دارای چارچوب و مقید به الزامات دینی بود. بسیار متعجب شدم وقتی مدت کوتاهی پس از فارغ‌التحصیلی نظراتی متفاوت از وی درباره همجنس‌گرایی شنیدم که نشان‌دهنده تغییرات اساسی در بنیاد فکری او بود. او دیگر الزامی در ناهنجار دانستن همجنس‌گرایی نداشت.

در سال‌های اخیر، تعداد قابل‌توجهی از افراد متاهل، مراجع من بودند که می‌توان آنها را به ۲ دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول دارای چارچوب و دسته دوم بدون چارچوب. افراد دارای چارچوب با ناراحتی از تمایل‌شان به جنس مخالف صحبت می‌کردند و می‌گفتند ما همسر داریم، خانواده داریم، بچه داریم ولی نسبت به محیطی که جنس مخالف در آن هست حساس می‌شویم. البته این موارد در حد پاتولوژیک و اختلال عملکرد نبود ولی شاید یکی از دلایل آن رویکردها و نمادهای جدید اجتماعی و فضاهای مجازی موجود، باشد.

در دسته دوم، فرد با پارتنر خود مراجعه می‌کند و می‌گوید علاوه بر همسر، مدتی است با ایشان هستم و حالا عاشق این فرد شده‌ام و علاقه چندانی به ادامه زندگی با همسر و فرزندم ندارم. موارد متعدد دیگری وجود دارد که از حوصله این مقاله خارج است و نقل همین موارد معدود هشداري است برای گام برداشتن به سمت تعمیق روابط زوجین، توجه به علم و گفتمان علمی و جلوگیری از انحراف در مباحث علمی. اتفاقی که در غرب بر سر روانشناسی آمد و با تعاریفی همچون نرمال بودن و جمعیت نرمال و پیرو مطالبات مکتب غرب و کاپتالیسم، بحث آسیب‌شناسی همجنس‌گرایی همسرم نداشتم. حتی موقع رابطه جنسی با همسرم، چشمم را می‌بستم و فرض می‌کردم



■ **عضو هیات علمی دانشگاه**

دوبال برای پرواز – ۱۳

فرهاد ملاهمینی: همانگونه که در نوشتار پیش عرض شد در این نوبت به مساله‌ای پرداخته می‌شود که هم بیانگر توحید ناب اسلامی و هم دفع‌کننده شبهه‌ای است که امروز نیز در مواردی مطرح است. مطلب یاد شده چیزی جز تثلیث نیست؛ تثلیث یا همان سه‌گانه دانستن خداوند اعتقادی است که ما آن را به مسیحیت منسوب می‌دانیم. اعتقادی که قرآن کریم با آن به این بیان مواجه می‌شود: «کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند خدا سوسمین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است قطعلا کافر شده‌اند و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند به کافران ایشان عذایی دردناک خواهد رسید»^(۱) پیش از اینکه به سیر ایجاد این مساله بپردازیم کمی در اصل موضوع توضیح خواهیم داد. انجیل متی می‌گوید: «کسانی که در آسمان گواهی و شهادت می‌دهند ۳ نفر هستند: پدر، کلمه و روح‌القدس و این سه نفر یکی هستند»^(۲) حال باید دید این یگانگی از چه جنس و سنخی است؛ آیا منظور از یگانه بودن یگانگی است که این سه یعنی پدر، پسر (کلمه) و روح‌القدس در آن یگانگی حقیقی دارند و فقط در نام بردن و اعتبار کردن از سوی مردم با یکدیگر متفاوت هستند؟ منظور از اعتبار کردن یعنی همه یکی هستند ولی وقتی می‌خواهیم از ایشان نام ببریم با نام‌های متفاوت از ایشان نام می‌بریم- یا اینکه ایشان (منظور پدر، پسر و روح‌القدس است) در حقیقت سه وجود محرز از یکدیگر هستند ولی به جای یکدیگر معرفی می‌شوند مانند سه شریک که هر سه اختیاراتی همانند یکدیگر دارند پس این نوع نگاه حتما شرک خواهد بود و صورت بعد نیز این است که ایشان در حقیقت یکی باشند و در عین حال کثرت حقیقی نیز داشته باشند؛ به بیان دیگر هم با یکدیگر یکی باشند و هم نباشند که این قسم نیز تناقضی آشکار است برای توضیح بیشتر خلاصه‌ای را از بیان مرحوم علامه طباطبایی(ره) در تفسیر شریف العیزان نقل می‌کنیم. ایشان در تفسیر آیه ۷۳ سوره مائده می‌فرمایند: اگر موصوف حقیقتا یکی بیشتر نباشد آنچه را که او را با آن وصف می‌کنند حتما اعتباری- غیر حقیقی و صرفا برای فهم مخاطب خواهد بود- پس محال است یک چیز در عین اینکه یکی است سه چیز باشد، عقل سلیم این معنا را نمی‌پذیرد. ایشان در ادامه به اعتراف به حل نشدن این موضوع حتی برای مبلغان مسیحیت نیز اشاره می‌کنند و می‌افزایند دلیلی ندارد که اعتقادی غیرقابل پذیرش عقلی را صرفا به دلیل کهن بودن پذیرفت. ایشان در دلیل‌آوری برای ابطال تثلیث می‌فرمایند: خداوند ذاتی واحد است و اگر برای او صف‌هایی شمرده می‌شود این صفات به ذات او چیزی را اضافه نمی‌کند و اگر این صفات نیز به یکدیگر اضافه شوند نیز چیزی به خداوند نمی‌افزایند پس توحید ذاتی به نحوی است که در هیچ حالتی نه در عقل و نه در وهم و نه در خارج قسمت شدنی نیست و خداوند در ذات مقدسش نیز از دو چیز از چند چیز ترکیب نیافته است و نمی‌شود موجودی می‌شود خداوند با اوست و از او جدا نیست. آنچه علامه طباطبایی(ره) فرمودند مورد تایید قرآن کریم نیز هست همانگونه که می‌فرماید: «آیا ندانستیم که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند که هیچ گفت‌وگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان ۵ تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند، او با آنهاست آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند آگاه خواهد گردانید، زیرا خدا به هر چیزی داناست»^(۳) قرآن، خداوند را همراه موجودات، وجود بخش به ایشان وقیوم هگمان می‌داند و نه یکی از جنس موجودات. پس اگر خداوند را یکی از ۳ اقنوم بدانیم حتما به راه شرک با نهاده‌ایم ولسی اگر خداوند را چهارمین نفری بدانیم، که بر ۳ نفر ناظر است راه توحید را پیموده‌ایم. واقعیت این است که خداوند موجودی است تام و تمام که حقیقت وجودی او تمام عالم را پوشانده است همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید: «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست»^(۴) پس او تمام عالم را فرا گرفته است مانند نوری که در همه جا هست، پس تصور نور دوم عقلا قبیح است. امید است در نوشتار بعد در ادامه مباحث توحیدی مطالبی را در زمینه گذشته این اعتقاد و نیز سایر شبهات توحیدی عرضه کنیم

پی‌نوشت

۱- سوره مائده/ آیه ۷۳

۲- انجیل متی/ ۷/۵

۳- سوره مجادله/ آیه ۲

۴- سوره حدید/ آیه ۳